

د کتر رجبی دوانی ضمن مقایسه ویژگی های شخصیتی شهید قاسم سلیمانی با یاران امام علی (علیه السلام) مطرح کرد

# اصحاب تمدن ساز حکومت اسلامی

۲

هدیه گل کاران بهبهانی به مشهد رسید

## زیارت با عطر نرگس

سه روز پیش، خیرگزاری‌های استان خوزستان نوشتند: ۸هزار شاخه گل نرگس بهبهان برای اهدا به حرم مطهر امام رضا(ع) به مشهد مقدس ارسال شد.خیرگزاری صدا و سیمای مرکز خوزستان هم نوشت: «به شکرانه رویش گل‌های نرگس و براساس یک سنت حسنه، نرگس‌کاران بهبهانی همه ساله ۸هزار شاخه گل نرگس را به حرم مطهر حضرت رضا(ع) اهدا می‌کنند. این ۸هزار شاخه گل نرگس پس از گل‌آرایی...

مهری چاهانی- عکس: رضوی



زندگی و زمانه مرحوم دکتر قاسم رسا، آخرین ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی

## دل مشتاق ز بس تشنه دیدار تو بود...

عضو انجمن ادبی و از مشاهیر شعرای ماست. رسا از اوایل عمر به شاعری پرداخته، شعر را روان و صاف می‌سازد و چون در اعیاد مذهبی و جشن‌های آستان قدس قصیده می‌خواند، به سمت ملک‌الشعرایی آستان قدس منصوب گردید».

■ این همه طبع و ظرافت، از کجا؟

مرحوم رسا از شاعران پُرکار بود؛ بخش اعظم اشعار وی را قصایدی تشکیل می‌داد که در منقبت ائمه اطهار(ع) می‌سرود؛ با این حال، حجم سروده‌های او با مضامین نصایح و بند و اندرز هم کم نیست. دیوان اشعار وی در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در ۶هزار بیت منتشر شد و در دست‌رش علاقه‌مندان قرار گرفت. او کتابی دیگر هم با موضوع مرثیه سیدالشهدا(ع) دارد که در میان اهل منبر و مداحان شناخته شده است. مرحوم رسا، سخت

شد. او در ۱۹سالگی و پس از گذراندن دوره تحصیلی ابتدایی و دبیرستان در مشهد، به تهران رفت و به تحصیل در رشته پزشکی در مدرسه طب دارالفنون پرداخت و در سال ۱۳۱۵ دانش‌آموخته شد. رسا پس از اتمام تحصیلات به مشهد بازگشت و در کنار خدمت به مردم این شهر، علاقه قدیمی خود را که از کودکی در پی آن بود، دنبال کرد؛ شعر و ادب.

■ ورود به محافل ادبی مشهد

او به تدریج توانایی خود را در شاعری ظاهر کرد و در محافل ادبی آن روزگار مشهد که از مهم‌ترین محافل ادبی ایران بود و شاعران بسیار توانمندی در آن عضویت داشتند، خوش درخشید و مورد توجه قرار گرفت. مرحوم رسا به دلیل اشعار پرمغز و روانش و البته عشق و علاقه فراوان به حضرت ثامن‌الحجج(ع)، اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی به جمع شاعران آستان



مرحوم رسا به دلیل اشعار پرمغز و روانش و البته عشق و علاقه فراوان به حضرت ثامن‌الحجج(ع)، اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی به جمع شاعران آستان قدس رضوی پیوست و در سال ۱۳۲۵ خورشیدی با قرائت شعری درباره ولادت حضرت سیدالشهدا(ع)، حکم خادم افتخاری و صله دریافت کرد.

به امام هشتم(ع) علاقه‌مند بود و حتی قریحه و استعداد شعری خود را مرحمتی از سوی آن امام همام می‌دانست؛ وی در جایی سروده است: «طبع سرشار و کمال و ادب و ذوق سلیم/ همه از دولت سلطان خراسان دارم». زنده‌یاد استاد دکتر قاسم رسا در ۲۵ آبان سال ۱۳۵۶ در ۶۶ سالگی دار فانی را وداع گفت و در صحن عتیق حرم رضوی به خاک سپرده شد.

قدس رضوی پیوست و در سال ۱۳۲۵خورشیدی با قرائت شعری درباره ولادت حضرت سیدالشهدا(ع)، حکم خادم افتخاری و صله دریافت کرد. او در سال ۱۳۳۰ رسماً به عنوان شاعر و سخنور آستان قدس برگزیده شد و در سال ۱۳۳۵ در ۴۵سالگی به مقام ملک‌الشعرایی آستان قدس رضوی رسید. مرحوم «گلشن آزادی» شاعر نامدار معاصر مشهد درباره استاد رسا می‌نویسد: «او مردی معتقد و شریف و

رضا(ع)، برای مشهد، برای همشهری‌هایش، برای زیارت، برای نقاره‌ها، گفت آخرین باری که به حرم رفته، پدرش را تازه از دست داده بود. آنجا تا می‌توانست اشک ریخت و یادش می‌آید وقتی آمد بیرون به هیچ وجه شبیه آن گلپر داغان و لاجانی نبود که رفت پایوس آقا. بعد با چشم خیسى خندان گفت خیلی دوست دارد باز طلبیده شود و ادامه داد آردهایش را ریخته و آرزوی دیگری ندارد و به همین نشستن کنار پنجره و تلفن‌های گاه بیگاه فامیل، زنده است. به اینکه سلام بدهد هر صبح از اینجا به گنبد طلا.

تنهایی. بیا فکر کن داری به مادر بزرگت سرکشی می‌کنی. وقتی رسیدم جلو در ورودی، خوشرو پشت واکر ایستاده بود. آن قدر خوشرو و غمگین و چشم به راه که به گمانم این صحنه هیچ وقت از یادم نرود. انگار که عزیزش را دیده باشد با مهربانی استقبال کرد و بعد از تنهایی‌اش گفت. از برادرزاده‌هایش که هوایش را دارند. از اولادی که ندارد. از همسر مرحومش که رفیق نیمه‌راه بود و بیست سالی می‌شود که نیست. از دلش که پَر می‌کشد برای زادگاهش، برای امام

رفقه توسلی | «گلپر جان را تازه پیدا کرده‌ام. از سوپرمارکت می‌آمدم بیرون که صدایم کرد کمکش کنم. صدایش از پنجره بالای مغازه می‌آمد. زنبیل خریدش را که با طناب فرستاده بود پایین، موقع بالا کشیدن گیر کرده بود به دسته موتور پارک شده توی پیاده‌رو. صاحب مغازه هم رفته بود پی کارش. آن قدر نحیف بود که در نگاه اول فکر کردم نوه صاحبخانه باشد نه خود صاحبخانه!

گفت خوشحال می‌شود خریده‌ها را برایش ببرم. مکث طولانی‌ام را که دید ادامه داد:

نیمکت زنده‌گی

گلپر جان



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۱۳۳۸ |

در کارگاه نقاشی «نقش سربند» حرم رضوی صورت گرفت

خلق آثاری ماندگار از اسطوره مقاومت ایران اسلامی



تکاهی به مر قعات، نسخه‌های خطی و نفایس موزه ملک

حال خوش گنجینه خوشنویسی

نماینده پیشین ولی فقیه در سپاه قدس:

شهید باقری «حاج قاسم» را کشف کرد

گرامیداشت حماسه ۹دی در حرم رضوی

طرح موضوع تمدن نوین اسلامی بیانگر حرکت تکاملی انقلاب بود

آیینی

نسل امروز تنوع طلب است



مداحان می‌توانند برای مردم الگو باشند به خصوص برای جوانان و نوجوانان... جوانانی که با مداحان در ارتباط هستند از مداح الگو می‌گیرند از لحاظ سخن گفتن، نشست و برخاست‌ها، معاشرت و پوشش‌ها و نوع آرایش تمام این رفتارها برای مردم جامعه به خصوص برای جوانان و نوجوانان می‌تواند الگو باشد... یکی از آفت‌های پیش روی مداحی مشهور شدن است... یک مداح به عنوان کسی که ستایشگری اهل بیت(ع) را می‌کند باید خود را پایین‌تر از همه بداند یعنی خاکسار همه باشد تا بتواند به موازات اینکه خودش بالا می‌رود این‌ها را بالا ببرد ولی اگر قرار باشد با غرور، تکبر و بداخلاقی با مردم رفتار کند قطعاً سقوط خواهد کرد و نوع برخورد او با دیگران نیز مانع رشد این فرد می‌شود... کسی که می‌خواهد ورود به محدوده مداحی داشته باشد، هر کسی که احساس کرد صدایش خوب است بدون هیچ پیشینه و زحمت و بدون هیچ دوره و آموزشی نباید ورود کند، افراد بدون هیچ راهنمایی در این عرصه وارد نشوند، ورود به عرصه مداحی باید چارچوب داشته باشد و این چارچوب پس از سال‌ها در حال شکل گرفتن است... نسل‌ها تغییر یافته و بسیار متنوع و تنوع‌طلب شده است. رهبر معظم انقلاب یکی از توصیه‌هایی که به مداحان می‌کنند «نوآوری» است که ضروری است مورد توجه مداحان قرار گیرد.

■ بخش‌هایی از گفت‌وگوی مرتضی طاهری با «مهر»

منبرمجازی

اعمال نورانی



آیت‌الله توکل | «ایمان» شناختی است

که در جان انسان به وجود می‌آید، انسان در درونش به شناخت و باوری می‌رسد که همین باور درونی، عامل بازدارنده است تا جلوه‌های گناه، انسان را زمین نزند و جذبه‌های گناه، انسان را از مسیر بیرون نبرد. به اعتقاد تمام علمای علم اخلاق و علمای سیر و سلوک، برای ما که فرد عادی هستیم گناه جذبه دارد. در قبال این جذبه‌ها و جلوه‌ها اگر انسان بناست بایستد و داخل گناه نشود یک عامل بازدارنده در درون جانش باید باشد تا این جلوه‌ها و جذبه‌ها را «گذرا» ببیند. آن عامل بازدارنده همان ایمانی است که افراد را نگه می‌دارد تا در جلوه گناه زمین نخورند.

در مرحله ایمان، انسان با باورش کار می‌کند، در مرحله یقین، باور با کشف حجاب مشاهده می‌شود. انگار پرده‌ها از جلو دیده‌ها کنار می‌رود. آدم صحنه‌هایی را می‌بیند که افراد باایمان این صحنه‌ها را نداشتند. یک نکاتی پس پرده هست که افراد باایمان نمی‌بینند اما افراد «باقین» خواهند دید.

خود یقین سه مرحله است: «مرحله علم‌البیقین» که حجاب از درون جان انسان کنار می‌رود، «مرحله عین‌البیقین» انسان خود صحنه‌ها را مشاهده می‌کند و مرحله «حق‌البیقین» تمام بند بند جان انسان، امری را گواهی می‌دهد. در بین مردم افراد باایمان که به باور دل، دست پیدا کرده باشند، این‌ها خیلی زیاد نیستند اما مرحله یقین بسیار نادرند و لذا در روایت آمده است: «یقین گوهری است که در بین مردم این گوهر بسیار کم تقسیم شده است».

برای کسب ایمان که کانال ورود به یقین است، فرد دو کار را باید انجام دهد: اول «انجام اعمال نورانی‌افزا» تا نور به این باطن سرازیر شود. انسان تا به باطن خود نورانیت ندهد به مرز ایمان نمی‌تواند داخل شود. دوم «ترک اعمال ظلمت‌زا» است.

اعمال نورانیت‌زا همین واجبات و مستحباتی است که عزیزان انجام می‌دهند، ما خیلی در اعمال نورانیت‌زا مشکلی نداریم آنچه مشکل است ترک اعمال ظلمت‌زاست. شب تا صبح عبادت می‌کنیم... برای اهل بیت(ع) گریه می‌کنیم، اما چشم و زبان اگر در کنترل نباشد، بعضی چیزهایی که نباید برود، می‌رود... این‌ها موجب می‌شود نور بدست آمده کم‌کم از بین برود. لذا کسب ایمان امر ساده‌ای نیست.